

سیاست مداران توسعه خواه

محسن رنانی

در علم اقتصاد، دولت‌ها را، و به تبع آن، سیاست‌مداران را، به سه دسته «کارشکن»، «مردد» و «توسعه خواه» تقسیم می‌کنند. سیاست‌مداران کارشکن نه تنها خدمتی به توسعه جامعه نمی‌کنند بلکه در مسیر آن کارشکنی نیز می‌کنند. بسیاری از سیاسیون عصر فاجار کارشکن بودند. سیاست‌مداران مردد، البته دوست دارند جامعه توسعه یابد و سعی در بسترسازی برای آن نیز دارند و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی پیاده می‌کنند، اما همین که رشد نهادهای مدنی و رشد قدرت جامعه با اقتدار آنها در تعارض می‌افتد، مردد می‌شوند و حاضر نیستند به نفع جامعه مدنی، از اقتدار خود بکاهند. اما سیاست‌مدار توسعه خواه، در مسیر توسعه و تعالی جامعه، نه تنها حاضر است از اقتدار خود بکاهد بلکه حتی از اعتبار خویش نیز برای گذشتن جامعه از شیب‌ها و پیچ‌های تند، خرج می‌کند.

در واقع نشانه‌های یک سیاست‌مدار توسعه خواه، سه چیز است. نخست این که نمی‌کوشد به یک شخصیت اسطوره‌ای مقدس تبدیل شود. و حتی اگر جامعه با اطرافیان‌ش برای اسطوره کردن او کوشیدند، او با رفتار و گفتار خود، اسطوره زدایی می‌کند. زیرا سیاست‌مدارانی که اسطوره یا مقدس می‌شوند، از حوزه نقد و از حوزه قانون خارج می‌شوند و اگر در تصمیم‌گیری مرتکب خطاهای بزرگ شدند، جامعه نمی‌تواند مانع آنها شود. بنابراین، سیاست‌مداران اسطوره‌ای، معمولاً تصمیمات بی‌بازگشت و پرهزینه می‌گیرند. سیاست‌مدار توسعه خواه، برای پرهیز از اسطوره شدن، در انظار مردم، حرف‌های عادی می‌زند، رفتار عادی می‌کند، می‌خندد، شوخی می‌کند، با مردم عادی می‌جوشد و دائماً به امکان اشتباه خود اذعان دارد و از همه می‌خواهد سیاست‌های او را نقد کنند.

دوم این که سیاست‌مدار توسعه خواه، سرمایه خود را (که عبارت است از توانایی‌ها، تجارب، اعتبار سیاسی و مقبولیت) در مسیر تحولات جامعه خرج می‌کند، تا جامعه مرحله گذار را با تنش اندک و هزینه کمتر طی کند. بنابراین گرچه ممکن است، اتخاذ یک موضع یا سیاست، از اعتبار و مقبولیت سیاست‌مدار بکاهد، اما او اگر دریابد که با چنان موضع یا سیاستی، تحولات جامعه مطمئن‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود، بی‌گمان آن سیاست یا موضع را اتخاذ خواهد کرد. بنابراین سیاست‌مدارانی که هم می‌خواهند تحولات جامعه را رهبری کنند و هم می‌خواهند هیچ‌گرددی بر قبای اعتبار و مقبولیت آنها نشیند، توسعه خواه نیستند، بلکه مردداند.

سرانجام، سیاست‌مدار توسعه خواه، با داشتن دو ویژگی اول، هملاً ویژگی سومی خواهد یافت و آن این که با تکامل و رشد جامعه از اقتدار سیاست‌مدار کاسته می‌شود و به اقتدار جامعه (نهادهای جامعه مدنی) افزوده می‌شود. پس سیاست‌مدارانی که یا تحمل هیچ‌گونه نقدی را ندارند، یا در اتخاذ مواضع خود یکدندگی و سماجت می‌ورزند، حتی اگر به تنش و بحران میانجامد، یا یک مرتبه به حالت قهر (و برای حفظ اعتبار خود) هر صبه سیاست را ترک می‌کنند، همگی مردداند و نه توسعه خواه. تاریخ پیش از دوم خرداد (تا انقلاب مشروطیت) آکنده از سیاست‌مداران مردد است.

دوم خرداد، آغاز پیدایش نسلی از سیاست‌مداران توسعه خواه است و علت توفیق عظیم آقای خاتمی، در همین ویژگی‌های توسعه خواهانه اوست. اکنون پرسش این است که طیف گسترده‌ای از کاندیداهایی که در این دوره به میدان آمده‌اند، و طرفدار اصلاحات و بسط نهادهای جامعه مدنی هستند، آیا همگی به واقع توسعه خواه هستند یا در عمل به گونه سیاست‌مداران مردد عمل می‌کنند؟ رفتار آنها در روزهای آینده، پاسخ این سؤال را خواهد داد. در میان طیف کاندیداهای اصلاح طلب، آنهایی به واقع توسعه خواه هستند، که اگر احتمال می‌دهند حضور آنها در صحنه، موجب پراکنده شدن آراء جبهه اصلاحات می‌شود، یا موجب کاهش رأی کاندیداهای ائتلاف اصلاح طلبان می‌شود، با انصراف خود از کاندیداتوری، راه را بر پیروزی قاطع اصلاح طلبان بگشایند. این هم نوعی خرج کردن از سرمایه اعتبار و شخصیت فردی است، در جهت هموار ساختن تحولات جامعه مدنی.

• استادپار اقتصاد در دانشگاه اصفهان